

نقض حقوق کودک در خصوص کار کودکان در ایران، تحلیل‌ها و راهکارها

کامیل احمدی

پژوهشگر و مردم‌شناس، تخصص روش تحقیق و کارشناسی ارشد مردم‌شناسی اجتماعی،
دانشگاه کنت-انگلستان.

نام نویسنده مسئول:

کامیل احمدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

چکیده

نقض حقوق کودکان و کودک‌آزاری، در تاریخ بشر، سابقه‌ای طولانی دارد که در هر دورهای از تاریخ، تعریف مفهومی آن، متفاوت و معمولاً فاقد بار معنایی منفی بوده است. کودکان آسیب‌پذیرترین گروه جامعه انسانی، نخستین کسانی هستند که در معرض هجوم مستقیم انواع ناگواری‌ها، فشارها و مشکلات ناشی از زندگی بزرگترها قرار می‌گیرند و آن را تحمل می‌کنند. امروزه میلیون‌ها کودک در سراسر جهان به خاطر بی‌سرپرستی، آوارگی‌های ناشی از جنگ و بلاهای طبیعی، تغذیه نامناسب، آلودگی به انواع بیماری‌های خطرناک، اعتیاد والدین و مشکلات ناشی از طلاق، یا در شرایط دشواری به سر می‌برند یا در چنگال افراد پلید به انواع سوءاستفاده‌های انسانی مانند توزیع مواد مخدر، خودفروشی و کار اجباری تن می‌دهند و به تعبیری بهتر، حقوق آنها نقض می‌شود. البته چگونگی نقض حقوق کودکان، در نقاط مختلف جهان متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه، کودکان، بیشتر با فقر و پیامدهای ناشی از آن مانند سوءتغذیه، کمبود امکانات بهداشتی، درملی و تحصیلی درگیرند در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، مشکلات اخلاقی و ضعف بنیاد خانواده‌گریبانگیر کودکان است. این مقاله از کتاب "ردپای استثمار در جهان کودکی" که به تازگی از همین نویسنده منتشر شده است استخراج گردیده است.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، دستگاه‌های دولتی، تحلیل، راهکار.

^۱ احمدی، کامیل. (۱۴۰۰). ردپای استثمار در جهان کودکی. پژوهشی جامع در خصوص اشکال، علل و پیامدهای کار کودکان. دانمارک: آوای بوف.

مقدمه

در جهان امروز که اهمیت عدالت اجتماعی بر همگان اثبات شده و جامعه جهانی به این باور رسیده است که یکی از مهم‌ترین ملزومات توسعه پایدار در جوامع برقراری عدالت و رفع نابرابری‌هاست، کار کودکان و تلاش برای کاهش و توقف آن اهمیت بسیار دارد، زیرا کودکان به‌عنوان بی‌پناه‌ترین قشر جامعه، که قدرت دفاع از خود را ندارند، در صورتی که قربانی نابرابری‌های اجتماعی گردند و به دلایلی، از جمله فقر، از تحصیل محروم و وارد چرخه کار اجباری شوند، مسیر جامعه نیز برای پیشروی به سمت توسعه پایدار با موانع دشوار روبه‌رو خواهد شد. با وجود درک این موضوع که کار کودکان به سلامت فرد و جامعه آسیب وارد می‌کند و به‌دور از حقوق انسانی است، هنوز همچنان کودکان بسیاری در سراسر جهان قربانی کار زود هنگام می‌شوند. کار کودکان معضلی است که در بستر جامعه‌ای ایجاد می‌شود که برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرانش از ایجاد کردن فرصت‌های برابر برای تمامی اقشار و همچنین کاهش فقر ناتوان‌اند یا چنین مسئله بسیار مهمی را قربانی منافع سیاسی خود می‌کنند. برای همین است که مشاهده می‌شود، برخلاف قوانین مصوب در عرصه‌های ملی و فراملی برای توقف کار کودک و همچنین کنوانسیون‌های جهانی، همچنان کودکان در چرخه کار اجباری آسیب می‌بینند، به‌خصوص آن‌که بسیاری از این اشکال کار جزو کارهای طاقت‌فرسا محسوب می‌شوند که در فرایند رشد طبیعی کودک خلل ایجاد می‌کنند و سلامت جسم و روان او را به‌خطر می‌اندازند. تلاش‌های جهانی برای کاهش و توقف کار کودک از سال‌ها پیش آغاز شده است؛ در سال ۱۹۹۹ میلادی سازمان جهانی کار کنوانسیون حداقل سن استخدام را تصویب کرد که به‌موجب آن، به‌کارگیری کودکان زیر پانزده سال ممنوع اعلام شد و برای مشاغل زیان‌آور نیز کودکان زیر هجده سال نباید استخدام می‌شدند. پس از تصویب این قانون، کشورهای بسیاری، از جمله بریتانیا، قوانین داخلی خود را برای مبارزه با کار کودک اصلاح کردند. در سال ۱۹۷۳ سازمان جهانی کار نیز کنوانسیون حذف فوری بدترین اشکال کار کودک را تصویب کرد که به‌موجب این کنوانسیون، که با عدد ۱۸۲ شناخته می‌شود، به‌کارگیری کودکان در مشاغل سخت و زیان‌آور ممنوع اعلام شد. در سال ۲۰۲۰ میلادی با پیوستن تمامی کشورهای جهان به این کنوانسیون، سازمان ملل سال ۲۰۲۰ را نقطه عطف تاریخی برای تلاش جهانی در جهت توقف کار کودک اعلام کرد و سال ۲۰۲۱ را سال توقف کار کودک نامید. پیش‌تر سال ۲۰۱۵ میلادی نیز سال تلاش برای حذف کار کودک اعلام شده بود. با همه این تلاش‌ها، یونیسف و بسیاری دیگر از سازمان‌های مدافع حقوق کودکان اعلام کرده‌اند تا زمانی که فقر وجود دارد، پایان دادن به کار کودکان امکان‌پذیر نیست. این گفته بدان معناست که درست است قوانین و مقررات بین‌المللی و داخلی برخی کشورها کار کودکان را منع کرده‌اند، اما از منظری دیگر جنبه اجباری داشتن درآمد و تأمین معاش برای کودکان را نیز باید در نظر گرفت. از همین رو پرسش‌هایی به ذهن خطور می‌کند: کودک تحت چه شرایطی مجبور به کار کردن است؟ چه عواملی در تعیین نوع کار وی دخالت دارند؟ اگر کار فعلی را کنار بگذارد، چه جایگزین‌های مناسبی خواهد داشت؟

در بسیاری از کشورهای جهان کار کردن کودکان تا یک سن خاص ممنوع شده است. با این حال، در بعضی از نقاط دیگر جهان ممنوعیت چندانی برای کار کردن کودکان وجود ندارد. مسئله‌ای که در خصوص کار کردن کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است وضعیت تعریف شده برای کار آن‌هاست. در بعضی از کشورهای جهان کودکان بدترین شرایط را در حین کار تجربه می‌کنند. مثلاً ممکن است به آن‌ها کارهایی طاقت‌فرسا و، به اصطلاح، یکی از «بدترین اشکال کار کودک» محول شود یا این‌که کودک را به سمت رفتارهای ناپسند تحریک کند. کودکان کار براساس دو مؤلفه، به‌صورت رسمی، در کشورهای مختلف تعریف می‌شوند: نخست نوع کار است و دوم حداقل سن مناسب برای آن کار. «کودک کار» به کودکی اطلاق می‌شود که به‌فعالیتی اشتغال داشته باشد که برای سلامت فیزیکی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، و شخصیتی او مضر باشد و امکان رشد طبیعی را - که شامل حق آموزش و بازی است - از او سلب کند. مؤلفه دوم سن مناسب برای هر شغل و کار است که آثار و پیامدهای آن بر سلامت و رشد کودک نمود می‌یابد. بر این اساس، قرارداد شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار یک حداقل سنی را برای مشاغل مختلف تعیین کرده است که اگر کودکی با سنی پایین‌تر از سن آن شغل در آن حیطه فعالیت کند، آن کودک کودک کار خوانده می‌شود. در ایران نیز، براساس ماده ۷۹ قانون کار، اشتغال به کار کودکان زیر پانزده سال ممنوع است و در صورتی که کارفرمایی افراد زیر پانزده سال را به خدمت بگیرد، متخلف شمرده می‌شود و مشمول مجازات از جریمه نقدی و حبس تا پلمپ کارخانه و ابطال پروانه کار خواهد شد. ماده ۸۴ قانون کار نیز پیش‌بینی کرده است که در مشاغل و کارهایی که ماهیت آن برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و

نوجوانان زیان آور است، حداقل سن کار هجده سال تمام خواهد بود که تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است. براساس ماده ۸۰ قانون کار، «کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد کارگر نوجوان نامیده می شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش های پزشکی قرار گیرد». براساس ماده ۸۰ تا ۸۴ قانون کار، کارفرما می تواند تحت شرایط خاصی از نیروی کار نوجوان استفاده کند که این شرایط عبارتند از: انجام دادن آزمایش های پزشکی برای کارگر نوجوان الزامی است؛ ساعات کار روزانه کارگر نوجوان باید نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران باشد؛ ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام دادن کار در شب و نیز ارجاع انواع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز، و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است؛ همچنین فعالیت در مشاغلی که از نظر اخلاقی برای نوجوان سخت و زیان بار باشد ممنوع است.

پیشینه تحقیق

علاوه بر سازمان های جهانی، همچون یونسف و سازمان بهداشت جهانی و سازمان جهانی کار که هر ساله درباره وضعیت کودکان کار در جهان تحقیقات گسترده ای می کنند، پژوهشگران و محققان بسیاری نیز بوده اند و هستند که در زمینه کار کودک و علل به وجود آمدن و تداوم آن مطالعات و تحقیقات بسیاری انجام داده اند که یافته های تمام این پژوهش ها، با توجه به موضوع مورد بررسی شان، قابل توجه است. در ادامه به برخی از این پژوهش ها و نتایج آن ها اشاره می شود:

پژوهش آه. انگ^۳، با عنوان «کار کودکان در صنایع با مقیاس کوچک در پنانگ اندونزی»، کار کودکان را محصول شرایط اقتصادی و اجتماعی جهان سوم می داند. بر این اساس، در یک سازمان اجتماعی، که افراد آن به منظور امرامعاش و بقای گروه فعالیت می کنند، کار کودکان بخشی از جامعه پذیری و نیاز به نیروی کار در آینده و همچنین مرتفع شدن نیازهای اقتصادی آنان به حساب می آید. با وجود این، فقر عامل اصلی کار کودکان است. آبودین در تحقیق خود درباره «زندگی روزمره کودکان کارگر در کشورهای جنوب» نشان داده است که ضرورت اقتصادی کل ماجرا نیست و تعداد زیادی از والدین، با این تصور که یادگیری زود هنگام یک حرفه بهترین روشی است که با آن می توان کودکان را برای مقابله با الزامات زندگی آینده مجهز کرد، کودکان خود را به کارهای مختلف می گمارند. بویدن چنین استدلال می کند که واکنش های نامناسب نسبت به مسئله کار کودکان به جای این که راه حل هایی را که برای تنزل واقعی درجه و موقعیت اجتماعی کار اجباری ارائه می شوند بهبود ببخشند، برعکس، آن ها را بدتر و اوضاع را وخیم تر می کنند. اخراج کودکان کارگر از صنعت پوشاک در بنگلادش و شرایط اسفناک به وجود آمده بعد از آن برای کودکان در اوایل دهه ۱۹۹۰ نمونه ای از چنین عکس العمل هاست. برخلاف موضع قانونی در بنگلادش، حدود یک دهم از ۷۵۰ هزار کارگری که در کارگاه های پوشاک کار می کنند را کودکان زیر چهارده سال تشکیل می دادند که از این رقم نیز سهم عمده به دخترانی اختصاص داشت که کارهای غیربدنی تقریباً سبک، از قبیل برش نخ های شل و اضافی از لباس ها و چرخ کردن قسمت های مختلف لباس با استفاده از چرخ های با فنده را انجام می دادند. دولت مدیران این کارگاه ها را به تحریم بین المللی آن دسته از کالاهایی که با استفاده از نیروی کار کودک تولید می شد تهدید کرده بود و مدیران نیز در پاسخ به این تهدید کودکان را از کارگاه ها اخراج کردند. نتیجه این عمل، همان طور که تحقیقات بعد از آن نشان داد، این بود که کودکان اخراج شده به کار کردن ادامه دادند و هیچ یک از آن ها مجدداً تحصیل را از سر نگرفتند، اما این بار آن ها در شرایطی به مراتب خطر پذیرتر از قبل و در کارهای غیررسمی و خیابانی (از قبیل فساد جنسی) به کار مشغول شده بودند. این گروه در مقایسه با آن اقلیت کودکانی که کار در صنعت پوشاک را از دست نداده بودند از شرایط بهداشتی ضعیف تر، تغذیه نامناسب تر، و درآمدهای پایین تری برخوردار بودند. خود این کودکان - برخی در جواب به سؤال مطبوعات - اظهار داشتند که کار سبک کارگاهی در کنار دو تا سه ساعت حضور در مدرسه و کار درسی بهترین راه حل برای رفع فقر آن هاست. این اظهار نظرها به طرخی جدید منجر شد، طرخی که در آن کارفرماها استخدام مجدد کودکان را با تعلیم و تربیت و چشم اندازهای کاری آینده آن ها مرتبط ساختند.^۴

2. Ah. Eng

۳ آه - انگ. (۱۳۹۵). من و کودکی هایم. تهران: آگاه

4 Boyden, J. (1991). Children of the cities. London: Zed Book

پژوهش بونت^۵، با عنوان «کار کودکان در آفریقا»، نشان می‌دهد بحران بیکاری والدین را به این نتیجه رسانده است که آموزش و پرورش صرفاً مسیری برای کسب دیپلم است و شیوه مناسبی برای تضمین شغل در آینده نیست، بلکه بقا در محیط اقتصادی به کار در بخش غیررسمی منوط است. فوراستیری^۶ در کتاب «کودکان در کار: خطرات سلامتی و ایمنی به مطالعه اشکال متفاوت کار کودک پرداخته است. در این کتاب اشکال و گونه‌های خطرناک کار کودک بررسی شده است. بنابر آنچه در این کتاب آمده است، کار کودک به کار در بخش کشاورزی، کار در صنایع کوچک، کارهای خانگی، و کارهای مربوط به فعالیت‌های غیررسمی تقسیم می‌شود. همچنین در این کتاب به ارزیابی شرایط کار کودک نیز پرداخته شده است.^۷ وال^۸ در سال ۲۰۰۶ در کتاب «کودکان کار در صنایع مختلف به مطالعه شرایط کاری کودک در صنایع مختلف در هند پرداخته است. در این کتاب، در ابتدا، بررسی کمی از کار کودکان در صنایع انجام شده است و در ادامه شرایط کاری کودکان در صنایع مختلف، مانند شیشه‌گری، کشاورزی، مرغداری، صنایع دستی، و غیره، بیان شده است.^۹ پیام روشنفکر و دلارام علی در سال ۱۳۹۰ در مقاله «پهنه‌بندی آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده کودکان در شهر تهران» به مطالعه آسیب‌خیزترین مناطق برای کودکان پرداختند و بر این اساس، مناطق ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ شهرداری تهران از نظر تعداد زیاد مهاجران داخلی و خارجی و شایع‌ترین آسیب‌های کار کودک، اعتیاد، و خشونت علیه کودکان در صدر قرار دارند. در این مقاله بیان شده است که عمده تمرکز انجمن‌های غیردولتی بر کار کودک و کودک‌آزاری است و در زمینه اعتیاد کمتر سازمانی به آن پرداخته است. پیشنهاد بسترسازی و حمایت از راه‌اندازی سازمان‌های غیردولتی و اجتماع‌مبنا با هدف توانمندسازی اجتماع محلی، آگاه‌سازی جامعه، و مسئولیت‌پذیر کردن نهادهای دولتی ذی‌ربط در خصوص حمایت از کودکان در برابر اعتیاد ارائه شده است.^{۱۰} در پژوهش پرن‌فر در سال ۱۳۹۱ با عنوان «سیاست‌های اجتماعی مناسب کودکان کار و خیابان» به سیاست‌های مختلف پیشگیرانه، حمایتی، و ساختاری پرداخته شده است. برای مثال در بخش سیاست‌های پیشگیرانه شناسایی خانواده‌های کم‌درآمد و در معرض آسیب از طریق نهادهایی همچون بهزیستی، کمیته امداد، سازمان زندان‌ها، و مدارس پیشنهاد شده است. شناسایی محله‌های فقیرنشین، حمایت و توانمندسازی خانواده‌ها، پررنگ کردن نقش مدارس و نظام آموزش و پرورش، اصلاح قوانین، اجرای مؤثر سیاست‌های کلان در جامعه مانند فقرزدایی، ایجاد فرصت‌های کاری در برابر بیکاری و رفع آن، ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی مناسب، در نظر گرفتن بیمه و تأمین اجتماعی، اجرای وسیع و دقیق برنامه‌های طرح جمعی، آموزش برای همه، اجرای برنامه‌های فرهنگی و توسعه اجتماعی روستاها و مناطق محروم، و توجه به اقتصاد بومی و محلی به نحوی که موجب کاهش مهاجرت به کلان‌شهرها شود از دیگر راهکارهای ارائه‌شده در این پژوهش است.

کودکان کار

یونیسف در گزارش‌های سالانه خود با عنوان «وضعیت کودکان جهان» بخش ویژه‌ای به نام «محافظت از کودکان» دارد که در آن آمار کودکان مشغول به کار را به تفکیک سن و جنس در بیشتر کشورهای جهان - کشورهای بومی که آمار رسمی کودکان کار آن‌ها از سوی دولت‌هایشان منتشر شده است - اعلام می‌کند. در همین گزارش‌ها نیز کودکان مشمول «کار کودک» از نظر سن و ساعات کاری به دسته‌های زیر تقسیم شده‌اند:

- کودکان پنج تا یازده‌ساله‌ای که در طی یک هفته حداقل یک ساعت فعالیت اقتصادی یا حداکثر ۲۸ ساعت در هفته کار خانگی انجام می‌دهند.

5. Bonnet

6. Forastieri

7 Forastieri, Valentina. (1997). Children at work: Health and safety risks. ILO Child Labour Collection. Geneva: International Labour Office

8. Wall

9 Wall, S. (2006). Child labour in various industries. India: Sarub & Sons

^{۱۰} روشنفکر، پیام و علی، دلارام. (۱۳۹۱). پهنه‌بندی آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده کودکان در شهر تهران (با نگاهی به خدمات سازمان‌های غیردولتی). تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران، دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران.

- کودکان دوازده تا چهارده ساله‌ای که در طی یک هفته حداقل ۱۴ ساعت فعالیت اقتصادی داشته یا حداکثر ۴۲ ساعت فعالیت اقتصادی همراه با کار خانگی انجام می‌دهند.^{۱۱}

پیمان نامه ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار در ماده هفت خود تأکید دارد که کار سبک باید دو ویژگی زیر را داشته باشد: نخست آن که به سلامتی و رشد کودک آسیب نرساند، و دوم آن که با حضور کودک در مدرسه و آموزش‌های حرفه‌ای و به‌طور کلی با تحصیل و توانایی‌های آموزشی او تداخل نداشته باشد. در اصطلاح آماری، کار سبک برای کودکان دوازده تا چهارده ساله کاری است که دارای ماهیت خطرناک و بیش از ۱۴ ساعت در هفته نباشد. آنچه در استانداردهای تعیین شده از سوی سازمان بین‌المللی کار باید در نظر داشت حداقل سن مجاز برای انجام کارهای سبک است که می‌تواند دوازده یا سیزده سال باشد، اما کودکان می‌توانند کارهایی را انجام دهند که از سوی قانون برای گروه سنی خاصی مستثنا شده‌اند. برای مثال مشارکت در کارهای خانه و کار در مشاغل خانوادگی که به‌عنوان بخشی از آموزش کار در نظر گرفته می‌شود. همچنین حداقل سن استخدام یا کار از سوی قانون ملی تعیین می‌شود و می‌تواند چهارده، پانزده، یا شانزده سال باشد. به همین ترتیب باید اشاره کرد که تمام کارهای خطرناک و بدترین اشکال کار کودک، که از سوی سازمان بین‌المللی کار تعیین شده است، برای تمام کودکان در هر سنی ممنوع است.

رویکردهای جامعه‌شناسانه در بررسی مسائل اجتماعی

بی‌سازمانی اجتماعی

بی‌سازمانی اجتماعی زمانی پدید می‌آید که تمام اجزای سیستم اجتماعی به‌طور هماهنگ در مقابل نیازهای کارکردی و تغییرات محیطی انطباق نمی‌یابند و از سوی دیگر در جریان تحولات سریع اجتماعی، امکانات و شرایط مساوی برای همه اقشار جامعه در انطباق با تغییرات محیطی فراهم نمی‌شود و بنابراین در چنین شرایطی پدید آمدن اقشار آسیب‌پذیر جامعه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.^{۱۲} از نظر مرتون^{۱۳}، آنومی^{۱۴} درهم‌شکستگی یک ساختار فرهنگی است و این وضعیت زمانی پیش می‌آید که بین اهداف و هنجارهای فرهنگی نیازها و ارزش‌های اجتماعی و امکانات موجود در بستر هر قشر اجتماعی تفاوتی فاحش وجود داشته باشد. در یک جامعه پایدار تعادلی بین اهداف اجتماعی - فرهنگی و راه‌های پذیرفته‌شده از سوی عموم مردم برای دستیابی به آن‌ها وجود دارد. آنومی وقتی شروع می‌شود که این رابطه متعادل به‌هم بخورد^{۱۵} نیزبت^{۱۶} نیز بر اجتناب‌ناپذیری مسائل اجتماعی به‌عنوان هزینه‌های اجتماعی - فرهنگی فرایند رشد و توسعه شتابان اشاره می‌کند. بنابر این دیدگاه، خارج شدن و به‌حاشیه رانده شدن بخشی از اقشار و گروه‌های جامعه از گردونه پرشتاب رشد و توسعه امری اجتناب‌ناپذیر است. جوامع در طی گذار شتابان خود به سوی آنچه مدرنیته و مدرنیزاسیون نام دارد با رواج ارزش‌های پیشرفت و عقلانیت ابزاری در جامعه روبه‌رو می‌شوند و به‌دنبال آن تحولاتی نظیر تقسیم کار پیچیده، رشد سریع جمعیت و شهرگرایی، تمایزپذیری اجتماعی، و رشد فردیت پدید می‌آید که موجب ظهور و بروز مسائل و مشکلات اجتماعی متعددی می‌شوند^{۱۷} جریان تحولات جوامع و رشد ارزش‌های شهرنشینی به سرازیر شدن سیل جمعیت در شهرهای بزرگ و تراکم شدید جمعیت و نامتوازن شدن توسعه در جوامع در حال توسعه منجر می‌شود و مسائلی همچون ترافیک، آلودگی محیط‌زیست، حاشیه‌نشینی، سرقت، قتل و خشونت، فحشا، فقر، اعتیاد، و گهگاه بیماری‌های جسمی و روانی و انواع جرائم و انحرافات اجتماعی را موجب می‌شود. از آنجا که در کشورهای در حال توسعه ساختارهای لازم برای تولید، اشتغال، و تعلیم و تربیت نیروی انسانی فراهم نیست، این جمعیت رو به رشد جامعه را با مشکلاتی همچون پایین بودن درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی، عدم رشد بخش صنعت و تولید به‌واسطه صرف هزینه‌های هنگفت برای تعلیم و تربیت و مصرف کودکان، وابستگی اقتصادی - اجتماعی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، بیکاری، و مشکل مسکن روبه‌رو ساخته است.^{۱۸}

^{۱۱} www.childinfo.com, 2011

^{۱۲} زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۳). آسیب‌های اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

^{۱۳} Robert K. Merton

^{۱۴} Anomie

^{۱۵} رفیع‌پور، عبدالله. (۱۳۷۷). دوران نوجوانی و آسیب‌ها. اصفهان: نشر افق

^{۱۶} Robert Nisbet

^{۱۷} زاهدی اصل، پیشین.

^{۱۸} معیدفر، سعید (۱۳۸۹). مسائل اجتماعی ایران. تهران: نشر امین.

نظریه کنش متقابل نمادین

دیدگاه کنش متقابل نمادین دیدگاهی دیگر در تبیین مسائل اجتماعی است. این دیدگاه اولین بار در بررسی مسائل اجتماعی ناشی از گسترش بی‌رویه شهرنشینی در شهر شیکاگو آمریکا مطرح شد و توسعه یافت و به همین سبب گاهی از آن با عنوان «مکتب شیکاگو» نیز یاد می‌کنند. در این دیدگاه، برخلاف نظریه‌های کارکردگرایان ساختی و تضاد که بر ساختارها و کارکردها تأکید می‌کنند، بر کنش متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی تأکید می‌شود. این دیدگاه بر ابعاد ذهنی و بین‌الذهانی کنشگرانی تأکید می‌کند که سازنده واقعیت اجتماعی هستند و مسائل اجتماعی را ناشی از تعابیر و تفاسیر ذهنی کنشگران از وضعیت‌ها و شرایط اجتماعی می‌داند که این معانی و تفاسیر ذهنی کنشگران از واقعیت‌ها و شرایط اجتماعی نیز امری نسبی و پیوسته در حال تغییر و تحول است. همچنین از آنجا که این رهیافت بر انگیزه‌های هدفمند و انتخاب‌های کنشگران در به‌وجود آوردن واقعیت‌های اجتماعی و از جمله آسیب‌ها و مسائل اجتماعی تأکید دارند، بنابراین بررسی انگیزه‌ها و علل روی آوردن کودکان به کار، از دیدگاه خود آنان و وضعیت و کنش‌های فردی و گروهی آنان در محیط، در پرتو این رهیافت امکان‌پذیر است.^{۱۹} حال براساس نظریه کودک‌محوری، این سؤال مطرح می‌شود که کار کودکان چگونه صورت می‌پذیرد و این کار صورت پذیرفته چگونه اداره و بامعنا می‌شود. این نظریه همچنین می‌تواند به گزارش‌های خود کودکان بیشتر توجه کند و برای نسبت توانایی و شایستگی آن‌ها در تصمیم‌گیری درباره زندگی و آینده خود جایگاه خاصی قائل شود. کودک‌محوری بر عاملیت در سازمان‌های اجتماعی کار تکیه دارد.^{۲۰}

نظریه تضاد

بر پایه رهیافت تضاد، دو نظریه مارکسیستی و نئومارکسیستی درباره مسائل اجتماعی وجود دارد که نظریه مارکسیستی بر تضاد اقتصادی تمرکز دارد و نظریه نئومارکسیستی بر تضاد اجتماعی ناشی از ارزش‌ها و علایق متعارض گروه‌های اجتماعی تأکید می‌ورزد. در پرتو چنین دیدگاهی تضاد و تعارض ذاتی جوامع بشری محسوب می‌شود. طرفداران نظریه تضاد بر نابرابری ثروت و قدرت در جامعه در بین طبقات اجتماعی، نژادها، قومیت‌ها، جنسیت، و حتی سن و نسل تأکید می‌کنند. چنان‌که کارل مارکس^{۲۱} منشأ مسائل اجتماعی را مالکیت شخصی و طبقات اجتماعی استثمارگر اعلام می‌کند که راه برون‌رفت از چنین وضعی برچیده شدن نظام سرمایه‌داری، تحقق یک جامعه بی‌طبقه، و رهایی انسان از بند اسارت آن است. از نظر صاحب‌نظران تضاد، بروز و ظهور آسیب‌های اجتماعی در گذار جوامع به توسعه‌یافتگی اجتناب‌ناپذیر است و واقعیت اجتماعی امری متضاد و در حال تحول از وضع موجود به سمت وضع مطلوب است و بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از فرافکنی بحران‌های درونی نظام سرمایه‌داری است. نظام سرمایه‌داری مانع خلاقیت، نوآوری، و آزادی انسان شده است. بنابراین مسائل اجتماعی در اصل ریشه، ماهیت، و خصلتی «اقتصادی» دارند^{۲۲} بر پایه این نظریه، کار کودک به دلیل مسائل اقتصادی و بحران‌های ایجادشده از جانب نظام سرمایه‌داری به‌وجود آمده است.

دلایل کار کودک

اگرچه تقریباً تمام مطالعات انجام‌شده در حوزه کار کودک فقر را عامل اصلی دلایل کار کودک معرفی کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد این مشکل اجتماعی در جوامع مرفه نیز (هرچقدر هم کم و ناچیز) وجود دارد. دلایل کار کودک از دو جنبه عرضه و تقاضا قابل بررسی است. در بخش عرضه تمام مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده فقر را عامل اصلی می‌دانند. در بین عوامل مربوط به تقاضای کار کودک نیز خانواده‌های کودکان کار مهم‌ترین نقش را (به‌ویژه در جوامع روستایی) ایفا می‌کنند. ILO در سال ۲۰۰۷ در طی یک بررسی به عوامل عرضه و تقاضای کار کودک این‌گونه اشاره می‌کند:

^{۱۹} حسینی، سید حسن. (۱۳۸۳). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵ (۱۹)، ۱۵۵-۱۷۳.

^{۲۰} جیمز، آلیسون؛ جنکس، کریس و پروت، آلن. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی دوران کودکی (نظریه‌پردازی درباره دوران کودکی) (ترجمه علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم‌آبادی). تهران: ثالث.

^{۲۱} Karl Heinrich Marx

^{۲۲} زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۳). آسیب‌های اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

عوامل مربوط به عرضه عبارت‌اند از: فقر، وضعیت معیشتی در خانواده، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، نظریه خطر سیل، زلزله، بیماری، بیکاری، جنگ و ...، وام و بدهی خانواده، توزیع نادرست درآمد و نابرابری.

عوامل مربوط به تقاضا عبارت‌اند از: فرضیه انگشتان فرز و چابک به‌ویژه در به‌کار گرفتن کودکان در معادن طلا و الماس، ساختار بازار کار، سود کارفرمایان، و دستمزدهای کمتر.^{۲۳}

از دیدگاهی جامع‌تر، دلایل کار کودک به سه دسته کلی زیر تقسیم می‌شوند که ILO در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌ای بدون کار کودک» به آن‌ها اشاره کرده است:

دلایل بی‌واسطه: کمبود یا نداشتن پول یا غذا، افزایش قیمت کالاهای اساسی، مقروض بودن خانواده‌ها، شوک‌های خانوادگی همچون مرگ یا بیماری سرپرست خانواده، کمبود برداشت محصول، نبود مدرسه یا وجود مدرسی با سطح کیفی پایین و ضعیف یا مواد درسی نامربوط، تقاضا برای کارگر ارزان در کارگاه‌های کوچک غیررسمی، عدم توازن کسب‌وکار و درآمد مزرعه خانوادگی با هزینه نیروی کار.

دلایل نهفته: ازهم‌پاشیدگی خانواده‌های گسترده و سیستم‌های حمایت اجتماعی غیررسمی، والدین تحصیل‌نکرده بی‌سواد یا کم‌سواد، نرخ باروری بالا، انتظارات فرهنگی از کودکان درباره کار و آموزش، دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز براساس جنسیت، طبقه (کاست)، قومیت، ملیت، مذهب، نژاد، طرز تلقی از فقر، آرزو برای مصرف کالا و استانداردهای زندگی بهتر، احساس فشار کودکان ازسوی خانواده‌هایشان و افراد فقیر ازسوی ثروتمندان.

دلایل ساختاری: کاهش درآمد ملی، نابرابری بین ملیت‌ها و مناطق مختلف و وضعیت نامطلوب تجارت کسب‌وکار، شوک‌های اجتماعی مانند جنگ، بحران‌های مالی و اقتصادی، مهاجرت و ایدز، تعهدات سیاسی یا مالی ناکافی برای آموزش خدمات اساسی و حمایت اجتماعی، حکمرانی بد و ضعیف، محرومیت اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای، و کمبود قانون‌مندی یا عدم تقویت مؤثر آن.^{۲۴} برخلاف آنچه اغلب به‌نظر می‌رسد، کار کودک فقط مشکل کشورهای درحال توسعه نیست. کودکان کار در تمام مناطق جهان یافت می‌شوند. با این‌همه گزارش‌های ILO و مطالعات محققان نشان داده است که هرچه سطح توسعه‌یافتگی بالاتر باشد، کار کودکان کمتر است. در بخش‌های بعدی به‌طور مفصل چرایی کار کودکان و عوامل و دلایل تداوم بخشی آن بررسی خواهد شد.

جدول شماره (۱) برآورد منطقه‌ای فعالیت اقتصادی کودکان پنج تا چهارده‌ساله در سال ۲۰۰۰

منطقه	تعداد کودکان کار (میلیون)	میزان شیوع نرخ کار کودکان
کشورهای توسعه‌یافته	۵٫۲	۲
اقتصادهای درحال‌گذار	۴٫۲	۴
آسیا و اقیانوسیه	۳٫۱۲۷	۱۹
آمریکا لاتین و کارائیب	۴٫۱۷	۱۶
صحرای جنوبی آفریقا	۰٫۴۸	۲۹
خاورمیانه و آفریقای شمالی	۴٫۱۳	۱۵
کل جهان	۲۱۱	۱۸

تقسیم‌بندی کار کودک

راجرز و استندینگ مقوله کار را بخشی از حوزه گسترده فعالیت‌های کودکان به‌شمار می‌آورند. آن‌ها درباره فعالیت‌های کودک ده بخش را معرفی می‌کنند: کار خانگی، کار غیرخانگی، کار بدون مزد، کار گروهی یا دسته‌ای، کار مزدوری، فعالیت‌های اقتصادی حاشیه‌ای، تعلیم‌و تربیت، تن‌پروری و بیکاری، تفریح و فراغت، و فعالیت‌های تولیدی و بازتولیدی. درست است که این حوزه‌های فعالیت برای کودکان گسترده به‌نظر می‌رسد و بنابراین می‌تواند دامنه وسیعی از فعالیت‌های کودکان را شامل شود، اما

²³ ILO. (2007). Child domestic labour information resources. Geneva: International Labour Organization Geneva.

²⁴ کمبود کار شایسته برای بزرگسالان ILO، به نقل از صفایی، منیژه و ناظم، نازفر. (۱۳۸۶). کار کودکان. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

تمامی این مقوله‌ها کاملاً غیررسمی و دلخواهی‌اند. علاوه بر این، هیچ‌کدام از این‌ها متقابلاً انحصاری نیستند. از طرف دیگر یونیسف شاید بیش از حد محدود و نسبتاً تقلیل‌گرایانه در این زمینه عمل می‌کند و در این حوزه برای کودکان فقط سه بخش عمده را در نظر می‌گیرد:

(۱) کار بدون مزد در داخل خانواده: این بخش خود به زیربخش‌های کار خانگی، کارهای کشاورزی و شبانی از قبیل کشت و درو و گله‌داری، و هنرهای دستی یا صنایع مربوط به کلبه‌سازی از قبیل نجاری، یا چرم‌سازی و چرم‌بافی تقسیم می‌شود.

(۲) کار درون خانواده اما بیرون از منزل: کار در این بخش شامل کارهای شبانی یا کشاورزی - که ممکن است تمام‌وقت، فصلی، یا مهاجرتی باشد - خدمات خانگی زمانی که یک کودک در مناسبات خانوادگی یک خانواده دیگر جایی برای خود پیدا می‌کند اما باید کارهای خانه‌داری نیز انجام دهد، کار تولیدی و کار استخدامی یا شخصی در اقتصاد غیررسمی می‌شود.

(۳) کار بیرون از خانواده: این بخش ممکن است استخدام شدن و به کار گرفته شدن از سوی دیگران را شامل شود، همچون کارهای نوکری و کارهای اجباری که به منظور استهلاک قرض صورت می‌گیرند، شاگردی کردن، بازرگانی حرفه‌ای، تجارت، کارهای غیرحرفه‌ای صنعتی و مشابه آن در معادن و غیره و کار خانگی. این بخش همچنین ممکن است گدایی یا تن دادن به ارتکاب اعمال جنسی اخلاقی و مستهجن را نیز شامل شود. در این گروه همچنین ممکن است کودکان در بخش‌های غیررسمی و در کارهای متنوع گسترده‌ای، از قبیل واکس زدن و شست‌وشوی ماشین‌ها، به‌طور شخصی مشغول باشند.

همان‌طور که بلافاصله از ظاهر این تقسیم‌بندی می‌توان فهمید، ملاک تقسیم‌بندی کار در این طبقه‌بندی، یعنی انجام کار درون یا بیرون خانواده، دیدگاهی است که بسیار منازعه‌برانگیز است و همان‌طور که وایت در سال ۱۹۹۵ به آن اشاره کرده است، به هیچ وجه معلوم نیست که در تمام حالاتی که کودکان با خانواده یا برای خانواده کار می‌کنند، در معرض خطرهای کمتری قرار داشته باشند. افرادی که تلاش می‌کنند وضعیت و موقعیت کودکان شاغل در یک مکان فرضی را بفهمند باید با عوامل متنوع بسیاری دست‌وپنجه نرم کنند: آیا کار در یک منطقه شهری یا در روستا انجام می‌شود؟ آیا کار همراه با دریافت حقوق است یا خیر؟ این حقوق به صورت نقدی پرداخت می‌شود یا غیرنقدی؟ و پرسش‌های بسیار دیگر. جیمز تقسیم‌بندی دیگری درباره کار کودکان ارائه می‌دهد که شامل موارد ذیل است:

(۱) کار خانگی از قبیل تمیز کردن خانه، تهیه غذا و مراقبت از خواهران و برادران کوچک‌تر؛

(۲) کار برای امرارمعاش در مزارع یا مغازه‌ها که از این راه کالاهایی به دست می‌آورند که می‌توان آن‌ها را در بازار با کالاهایی دیگر مبادله کرد؛

(۳) کار به عنوان شاگرد که کودک را ملزم می‌دارد به هنگام یادگیری یک هنر در خانه‌ای یا مکانی دیگر دیگران کار کند؛

(۴) به عنوان برده یا نیروی کار پیمانی که به دیگران فروخته می‌شوند و برای منافع آن‌ها کار می‌کنند؛

(۵) به عنوان گداهایی که برای خودشان یا به عنوان بخشی از یک گروه، خواه خانواده خواه گروه یا باند، در خیابان‌ها کار می‌کنند؛

(۶) به عنوان کارگرانی که در مزارع، کارخانه‌ها، یا مغازه‌ها کار می‌کنند و حقوق می‌گیرند.

سازمان جهانی کار برآورد کرده است که حدود ۲۵۰ میلیون کودک کار در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. نسبت ارائه شده برای کودکانی که در کار خانگی فعالیت دارند مشخص نیست، اما قطعاً تعدادشان زیاد است. براساس شواهد سازمان بین‌المللی کار، کودکان دختر زیر شانزده سال بیش از هر گروه دیگری در این بخش فعالیت دارند. با توجه به ماهیت پنهان کارهای خانگی، داشتن آماری قابل اعتماد از تعداد کودکانی که در کار خانگی هستند دشوار است. آمارهای برگرفته از پژوهش‌های موجود فقط نوک این کوه یخ را نشان می‌دهند که آن نیز نشان‌دهنده نگرانی‌هایی درباره این پدیده در بسیاری از کشورهای جهان است.

منع بدترین اشکال کار کودک

سازمان جهانی کار در سال ۱۹۹۹ در هشتاد و هفتمین اجلاس جهانی خود کنوانسیون حذف فوری بدترین اشکال کار کودکان را تصویب کرد. این قانون، که پس از مصوبه سال ۱۹۷۳ مبنی بر تعیین حداقل سن استخدام در کشورهای جهان به تصویب رسید، بر آن بود که با اقدامات ملی و فراملی از استثمار کودکان جلوگیری کند و مانع به کارگیری آن‌ها در مشاغل سخت و زیان‌آور شود.

از جمله موارد مهمی که در این کنوانسیون بر آن تأکید شد آموزش و پرورش رایگان و توجه به نیازهای اساسی کودکان و خانواده آن‌ها به منظور جلوگیری از کار کودکان بوده است. این کنوانسیون در آبان ماه سال ۱۳۸۰، شامل ۱۶ ماده، توصیه‌نامه، مقدمه، و ماده واحده منضم در مجلس ایران تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید.

کنوانسیون اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک

بر اساس ماده یک تا سه این کنوانسیون، هر عضوی که این کنوانسیون را تصویب می‌کند باید اقدامات فوری و مؤثری را برای تأمین ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار کودک به عنوان موضوعی فوری اتخاذ کند. از نظر این کنوانسیون، اصطلاح «کودک» درباره تمام اشخاص کمتر از هجده سال به کار برده می‌شود. از نظر این کنوانسیون، اصطلاح «بدترین اشکال کار کودک» شامل موارد زیر است:

الف) کلیه اشکال بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، از قبیل فروش و قاچاق کودکان، بندگی به علت بدهی و رعیتی و کار یا زور یا اجباری، از جمله استخدام به زور یا اجباری کودکان برای استفاده در درگیری مسلحانه.
 ب) استفاده، فراهم کردن، یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولید زشت‌نگاری (پورنوگرافی) یا اجزای زشت‌نگارانه.
 پ) استفاده، فراهم کردن، یا عرضه کودک برای فعالیت‌های غیرقانونی، به ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر، به گونه‌ای که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده‌اند.
 ت) کاری که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می‌شود، احتمال دارد برای سلامتی، ایمنی، یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد.

برنامه‌های اقدام کنوانسیون ممنوعیت و اقدام برای محو بدترین اشکال کار کودک

برنامه‌های اقدام موضوع ماده ۶ کنوانسیون به عنوان موضوعی از این برنامه‌ها باید به موارد زیر معطوف باشد:
 الف) تشخیص و محکوم کردن بدترین اشکال کار کودک؛

ب) دور ساختن یا جلوگیری از اشتغال کودکان در بدترین اشکال کار کودک، محافظت از آن‌ها در مقابل اعمال تلافی‌جویانه و پیش‌بینی بازپروری و سازگاری اجتماعی آن‌ها از طریق اقداماتی که نیازهای آموزشی، جسمانی، و روان‌شناختی آن‌ها را در نظر می‌گیرد؛

پ) توجه خاص به کودکان کم‌سن‌وسال‌تر، کودکان دختر، مشکل موقعیت‌های کار پنهان که در آن‌ها دختران در معرض خطر خاص قرار دارند، سایر گروه‌های کودکان در معرض آسیب‌پذیری یا نیازهای خاص، تشخیص و دستیابی و کار با جوامعی که در آن‌ها کودکان در معرض خطر خاص قرار دارند، آگاه‌سازی، حساس کردن، و بسیج افکار عمومی و گروه‌های مرتبط خصوصاً کودکان و خانواده‌هایشان.

کار خطرناک برای کودکان

کار خطرناک، بر اساس مواد کنوانسیون کار کودک، کاری است که کودکان را در معرض سوءاستفاده جسمانی، روانی، یا جنسی قرار می‌دهد. همچنین شامل این کارهاست: کار در زیر زمین، زیر آب، در ارتفاعات خطرناک یا در فضاهای بسته، کار با ماشین‌آلات و تجهیزات و ابزارهای خطرناک، کارهایی که در آن‌ها بارهای سنگین با دست جابه‌جا یا حمل می‌شوند، کار در محیط ناسالم که ممکن است کودکان را مثلاً در معرض مواد و عوامل یا فرایندهای خطرناک یا در معرض دما، صدا، یا ارتعاش‌های مضر قرار دهد که سلامت کودک را به خطر اندازد، کار تحت شرایط بسیار مشکل برای ساعات طولانی یا در خلال شب یا کار در جایی که کودک به نحو غیرمتعارفی محدود به محیط کارگاه است.

بر اساس آیین‌نامه اجرایی تبصره‌های یک و دو ماده واحده قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن، فهرست کارهای مضر برای افراد زیر هجده سال به شرح ذیل است:

- ۱) کار در معادن، اعم از تحت‌الارضی یا سطح‌الارضی، و کار در تونل‌ها و راهروها یا میله‌های معدن؛
- ۲) کار در مخازن سربسته؛

- ۳) کار در کارگاه‌های دباغی، سالامبورسازی، و روده پاک‌کنی؛
- ۴) کار در گنداب‌روها، بخش جمع‌آوری، حمل و دفن زباله شهری؛
- ۵) سم‌پاشی باغات و اشجار و مزارع و ضدعفونی اماکن و طولیله‌ها و آشیانه‌های مرغداری؛
- ۶) غواصی.
- ۷) کار در ارتفاع بیش از پنج متر از سطح زمین روی دکل‌ها، اتاقک‌های متحرک، داربست‌ها، و اسکلت‌ها؛
- ۸) کار در محیط‌هایی با سروصدای بالا (بیش از حد مجاز)؛
- ۹) کار روی خطوط و پست‌های انتقال برق با فشار ۶۳ کیلوولت و بالاتر؛
- ۱۰) مشاغل شن‌پاشی، پخت آسفالت دستی، قیرپاشی، و مالچ‌پاشی؛

قانون کار ایران

براساس ماده ۹۶ قانون کار و به منظور اجرای صحیح قانون و ضوابط حفاظت فنی، اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی با «نظارت بر اجرای مقررات ناظر به شرایط کار به‌ویژه مقررات حمایتی مربوط به کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک، مدت کار، مزد، رفاه کارگر، اشتغال زنان و کارگران نوجوان» وظیفه نظارت را برعهده دارند. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار در حدود وظایف خویش حق دارند، بدون اطلاع قبلی و در هر موقع از شبانه‌روز، به مؤسسات مشمول ماده ۸۵ این قانون وارد شده و به بازرسی بپردازند، اما ورود بازرسان کار به کارگاه‌های خانوادگی به اجازه کتبی دادستان محل منوط خواهد بود. قانون کار ایران اصلی‌ترین و مهم‌ترین قانونی است که در آن به تفصیل به موضوع کار کودکان اشاره شده است. در این قانون، علاوه بر تعیین حداقل سن قانونی اشتغال، شرایط استفاده از کارگر نوجوان و نیز موارد استثنا در این زمینه از سوی قانون‌گذار مشخص شده است. قانون کار ایران، به پیروی از قوانین بین‌المللی کار، اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری را ممنوع اعلام کرده است و در این زمینه همه افراد جامعه با هم برابرند. قانون کار ایران، به پیروی از قوانین بین‌المللی کار، در ماده ۷۹ حداقل سن مجاز اشتغال را تعیین کرده است و به موجب این ماده، حداقل سن مجاز برای اشتغال به کار در ایران پانزده سال است و به کارگیری و استخدام کودکان زیر پانزده سال ممنوع است. در قانون کار ایران در مبحث دوم به بازرسی کار می‌پردازد که در ذیل ماده‌های مهم این مبحث مرور می‌شوند.

ماده ۹۶- به منظور اجرای صحیح این قانون و ضوابط حفاظت فنی، اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی با وظایف ذیل تشکیل می‌شود:

- الف) نظارت بر اجرای مقررات ناظر به شرایط کار به‌ویژه مقررات حمایتی مربوط به کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک، مدت کار، مزد، رفاه کارگر، اشتغال زنان و کارگران نوجوان.
- ب) نظارت بر اجرای صحیح مقررات قانون کار و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به حفاظت فنی.
- ج) آموزش مسائل مربوط به حفاظت فنی و راهنمایی کارگران، کارفرمایان و کلیه افرادی که در معرض صدمات و ضایعات ناشی از حوادث و خطرات ناشی از کار قرار دارند.
- د) بررسی و تحقیق پیرامون اشکالات ناشی از اجرای مقررات حفاظت فنی و تهیه پیشنهاد لازم جهت اصلاح میزان‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به موارد مذکور، مناسب با تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژی.
- ه) رسیدگی به حوادث ناشی از کار در کارگاه‌های مشمول و تجزیه و تحلیل عمومی و آماری این‌گونه موارد به منظور پیشگیری حوادث.

ماده ۹۸- بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار در حدود وظایف خویش حق دارند بدون اطلاع قبلی در هر موقع از شبانه‌روز به مؤسسات مشمول ماده ۸۵ این قانون وارد شده و به بازرسی بپردازند و نیز می‌توانند به دفاتر و مدارک مربوطه در مؤسسه مراجعه و در صورت لزوم از تمام یا قسمتی از آن‌ها رونوشت تحصیل نمایند.

تبصره- ورود بازرسان کار به کارگاه‌های خانوادگی منوط به اجازه کتبی دادستان محل خواهد بود.

ماده ۹۹- بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار حق دارند به منظور اطلاع از ترکیبات موادی که کارگران با آن‌ها در تماس می‌باشند و یا در انجام کار مورد استفاده قرار می‌گیرند، به اندازه‌ای که برای آزمایش لازم است درمقابل رسید، نمونه بگیرند و به روسای مستقیم خود تسلیم نمایند.

ماده ۱۰۴- کارفرمایان و دیگر کسانی که مانع ورود بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار به کارگاه‌های مشمول این قانون گردند و یا مانع انجام وظیفه ایشان شوند یا از دادن اطلاعات و مدارک لازم به آنان خودداری نمایند، حسب مورد به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد.

ماده ۱۰۵- هرگاه در حین بازرسی به تشخیص بازرسان کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای احتمال وقوع حادثه و یا بروز خطر در کارگاه داده شود، بازرسان کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای مکلف هستند مراتب را فوراً و کتباً به کارفرما یا نماینده او و نیز به رئیس مستقیم خود اطلاع دهند.

شرایط کار کودک و نوجوان در ایران

امروزه چالش کار کودک همچنان در بسیاری از کشورهای جهان معضلی دامنه‌دار است. جدای از حمایت‌های اقتصادی و رفع مشکلات مالی در جامعه برای فایق آمدن بر این چالش، وجود قوانین حمایتی از کودکان نیز نقش مهمی در مبارزه با معضل کار کودک ایفا می‌کند. قوانین داخلی ایران در زمینه مبارزه با کار کودک و حمایت از آنچه به عنوان کودکان کار شناخته می‌شود در این بخش بررسی می‌شود. همچنین به صورت اجمالی به لایحه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و مواد مرتبط با موضوع کار کودک خواهیم پرداخت. اگرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور مستقیم و صریح اشاره‌ای به حقوق کودکان و زیرمجموعه‌های مربوط به آن، به ویژه حقوق مرتبط با کودکان کار، نکرده است، اما در دو اصل، به طور ضمنی، بر نقش عوامل تأثیرگذار در محو کار کودک تأکید کرده است. این دو عامل عبارت از «حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش رایگان» و «ممنوعیت کار اجباری و بهره‌کشی از انسان‌ها» است. در بند سوم اصل ۳ قانون اساسی، حق آموزش و پرورش رایگان و در دسترس برای تمام افراد جامعه شناسایی شده و فراهم آوردن آن جزو وظایف دولت قرار داده شده است. همچنین بند چهارم اصل ۴۳ نیز با شناسایی حق انتخاب آزاد شغل، کار اجباری و بهره‌کشی از انسان‌ها را ممنوع دانسته و اقتصاد جمهوری اسلامی را بر این ضوابط استوار کرده است. برپایه قانون کار در جمهوری اسلامی، کودک بین پانزده تا هجده سال کارگر نوجوان به‌شمار می‌آید و قوانین مندرج در ماده ۷۹ و ماده ۸۴ قانون کار درباره کارگر نوجوان لازم‌الاجراست. در این مواد قانونی آمده است که به کار گماردن افراد کمتر از پانزده سال تمام ممنوع است. کارگری که سنش بین پانزده تا هجده سال تمام باشد کارگر نوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید تمامی آزمایش‌های پزشکی مورد تأیید سازمان تأمین اجتماعی را انجام دهد.

کار کودکان در قوانین ایران

در قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز درباره به‌کارگیری کودکان و نوجوانان حدودی تعیین شده است. در فصل سوم این قانون و براساس ماده ۸۰، به کار گرفتن و استخدام هر فرد زیر پانزده سال ممنوع است. در کنوانسیون جهانی حقوق کودک هر فرد زیر هجده سال کودک محسوب می‌شود، اما با توجه به این که ایران با شروطی این کنوانسیون را امضا کرده است، حدود سن کودکی براساس قوانین شرع مشخص می‌گردد و برپایه آن، کودک به فردی گفته می‌شود که به سن بلوغ نرسیده است. در تبصره یک ماده ۱۲۱۰، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری تعیین شده است. قوانین کار مربوط به کودکان نیز براساس حدود سن کودکی در قانون مدنی ایران مشخص شده است و برپایه ماده ۸۰ قانون کار، هیچ کارفرمایی نمی‌تواند افراد زیر پانزده سال را استخدام کند و هر کارفرمایی که از این قانون تخلف کند، به پرداخت جریمه ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل دستمزد روزانه یک کارگر محکوم خواهد شد. اما اگر کارگری زیر پانزده سال باشد، به صورت عملی نمی‌تواند دعوی خود با کارفرما را در مراجع قانونی ثبت کند و عملاً امکان شکایت برای او وجود ندارد، زیرا به‌کارگیری کودکان زیر پانزده سال ممنوع است. البته درباره به‌کارگیری افراد پانزده تا هجده سال نیز شرایط خاصی وجود دارد. برپایه ماده ۸۱ قانون کار، کارگر نوجوان در بدو استخدام باید آزمایش پزشکی بدهد و این آزمایش‌ها باید سالی یک بار تجدید شود و مدارک آن در پرونده شخص ثبت گردد. همچنین پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر می‌کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند، کارفرما

مكلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد. در ماده ۸۲ قانون کار نیز ساعات کار روزانه کارگر نوجوان نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است. براساس ماده ۸۳ قانون کار، ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام دادن کار در شب و نیز کارهای سخت، زیان آور، خطرناک، و حمل بار با دست بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است و درنهایت این که براساس ماده ۸۴، در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیتشان یا شرایطی که کار در آن انجام می شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آور است، حداقل سن هجده سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت تعاون، رفاه و امور اجتماعی است. برخی از این مشاغل عبارتند از: کار در معادن، کار در مخازن سربسته، کار در کارگاههای دباغی و روده پاک کنی، کار در گندابروها، کار در بخش جمع آوری و حمل و دفن زباله شهری، سم پاشی باغات و اشجار و مزارع و ضد عفونی اماکن و طولیله ها و آشیانه های مرغداری، غواصی، کار در ارتفاع بیش از پنج متر از سطح زمین روی دکل ها و اتاقک های متحرک و داربست ها و اسکلت ها، کارهای ساختمانی، ریخته گری فلزات، شیشه گری، حمل و جابه جایی مواد مذاب از کوره های فعال، کار در مجاورت کوره های پخت چینی و سفال، کار در دامداری های صنعتی و کشتارگاه ها، کار در غسلخانه و دفن اموات، کار در کوره پزخانه ها، و کار در نانوائی ها. با وجود این که قوانین ایران استخدام افراد زیر پانزده سال را ممنوع اعلام کرده و به کارگیری نوجوانان پانزده تا هجده سال نیز به صورت مشروط پذیرفته شده است، همچنان دیده می شود که کودکان بسیاری در رده های سنی مختلف در بخش های متعدد، از کشاورزی و مزارع گرفته تا کارگاه های تولیدی، به کار گرفته می شوند. دلیل مهم و عمده استفاده از کودکان در مشاغل مختلف عدم نظارت جدی بر شرایط کودکان و محیط های کار آنان است، به گونه ای که کارفرمایان به راحتی و بدون ترس از قوانین می توانند کودکان را به کار بگیرند و خانواده ها نیز فرزندان خود را زود هنگام به چرخه کار می فرستند. در صورتی که این کودکان از سوی کارفرما آزار و استعمار شوند یا کارفرمایان حقوق آنها را پرداخت نکنند، تصور می کنند امکان شکایت و پیگیری قانونی را ندارند، زیرا کار را در سنی زیر سن قانونی شروع کرده اند و کارشان قانونی نیست. این وضعیت درباره کودکان اتباع و مهاجر که بدون مجوزهای قانونی در کشور کار می کنند نیز وجود دارد و آنها هم به سبب نداشتن مدارک قانونی، در صورتی که در کار با مشکلی مواجه شوند، نمی توانند به مراجع قانونی مراجعه کنند.

آزاردیدگی، بنابه تعاریف مختلف، به طور کلی چهار شکل به خود می گیرد که عبارتند از: بی توجهی، آزار عاطفی، آزار جسمانی، و آزار جنسی. کودک آزاری جسمی به هر عملی که سبب جراحت جسمی شود، نظیر کتک زدن، مشت زدن، لگد زدن، گاز گرفتن، و سوزاندن، اطلاق می شود. کودک آزاری روانی یعنی سوء رفتار هیجانی یا روان شناسی و زمانی روی می دهد که فرد این پیام را به کودک منتقل کند که وی بی ارزش، معیوب، و دوست نداشتنی است. سوء رفتار هیجانی عبارت است از پر خاش کلامی (مانند تحقیر، فریاد زدن، تهدید کردن، سرزنش کردن، یا طعنه زدن) مواجه کردن کودک با خشونت خانگی، وارد کردن آزار بر کودک از طریق انتظارات بیش از حد، تشویق یا آموزش کودک برای شرکت در فعالیت های ضد اجتماعی. کودک آزاری جنسی طیف وسیعی از رفتار جنسی را شامل می شود، از جمله مالش یا لمس یا بوسیدن دستگاه تناسلی کودک، وادار کردن کودک به لمس دستگاه تناسلی بزرگسالان و ...^{۲۵}

کودک آزاری

کودک آزاری مسامحه یا غفلت از کودک شایع ترین شکل بد رفتاری با کودکان است و عبارت از فقدان ارائه مراقبت و محافظت کافی از کودکان است. غفلت از کودک به معنای کوتاهی در اعمال مراقبت های کافی و مورد نیاز متناسب با سن کودک، مانند تأمین سرپناه، غذا، لباس، آموزش، سرپرستی و مراقبت های پزشکی است که برای رشد ظرفیت جسمی، عاطفی، و احساسی کودک ضروری اند. بیشترین موارد غفلت یا مسامحه درباره کودکان نوزاد، نوپا، و کودکان پیش دبستانی اتفاق می افتد. مسامحه انواع گوناگونی دارد، مانند غفلت یا مسامحه فیزیکی، مسامحه آموزشی، مسامحه احساسی، و مسامحه پزشکی. مسامحه جسمی یا فیزیکی شامل رها کردن، اخراج از منزل، نظارت ناکافی، و بی توجهی به امنیت و رفاه کودک از شایع ترین موارد مسامحه است^{۲۶}

^{۲۵} کامل عباسی و آقامحمدیان شعراباف. (۱۳۸۹). به نقل از بخشنده، مجتبی و نیک پور قنوتی، لیلیا. (۱۳۹۵). سنگ فرش هر خیابان از طلا نیست. تهران: جامعه شناسان.

^{۲۶} کاپلان و سادوک. (۱۳۷۵). به نقل از بخشنده، مجتبی و نیک پور قنوتی، لیلیا. (۱۳۹۵). سنگ فرش هر خیابان از طلا نیست. تهران: جامعه شناسان.

کودکان کار و کودکان خیابانی به دلیل شرایط پیچیده خود ممکن است با موارد متعدد و متنوعی از کودک‌آزاری روبه‌رو شوند. فرض اساسی این مبحث این است که انواع آزارها علیه کودکان با یکدیگر رابطه دارد و در نوعی ساختار شبکه‌ای هر نوع آزاری انواع دیگر آزار را بازتولید می‌کند. آنچه جای تأمل دارد این است که شکل‌های متنوعی از حمله و تهاجم فیزیکی علیه کودکان کار در جامعه وجود دارد. این مسئله طیف وسیعی از رفتارهای خشونت‌آمیز جسمی، از هل دادن و کوبیدن و سیلی زدن تا ضربات مهلک با اشیای سنگین و برنده، را دربر می‌گیرد. در کنار این مسئله، کودکان خیابانی با گروه‌های متفاوتی از افراد روبه‌رو هستند که ممکن است به آزار جسمی آن‌ها اقدام کنند. والدین (اعم از والدین فعال در محل کار کودک یا غیرفعال در محل کار کودک)، اعضای خانواده، همکاران بزرگسال، کارفرما، رقبای کاری (به‌ویژه در مسیر افرادی همچون دوره‌گردان، متکدیان، و دست‌فروشان) همچنین گروه‌ها و افراد دیگر نیز در وقوع این نوع آزارها نقش دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به ساختار فرهنگی جامعه و نگاه‌های ترحم‌آمیز یا تحقیرگونه به این کودکان اشاره کرد. این گروه، برخلاف سایر گروه‌های قابل رؤیت و شناسایی، قابل بررسی و شناسایی نیستند و به آنها کمتر توجه می‌شود، اما زخم‌های ناشی از نگاه‌ها و انواع آزارها، خصوصاً آزارهای جنسی، برای همیشه به آن‌ها آسیب وارد می‌کند. کودک‌آزاری روانی تنوع بسیاری از انواع آزار را شامل می‌شود، همچون آزارهای کلامی، غیرکلامی، تهدید، تمسخر کردن، ترساندن، انتظارات و برخوردهای نامتناسب با سن کودک، ناسزا گفتن، تحقیر، و غیره. آنچه باعث تأثیر این نوع رفتار بر ذهن کودکان خیابانی می‌شود تغییر فضای ذهنی، عاطفی، و شناختی این افراد است به نحوی که عملکرد فردی و اجتماعی آنان را تحت تأثیر سوء قرار می‌دهد. از کودکان خیابانی ممکن است بیش از دیگر کودکان سوءاستفاده شود.^{۲۷}

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد

در ادبیات این حوزه تقریباً هیچ تعریف گسترده و پذیرفته‌شده‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد وجود ندارد. تنوع آن‌ها، اهداف و ساختارهای متنوع، و همچنین نیروهای محرکه بسیار متنوع پشت آن‌ها توافق دربارهٔ چنین تعریفی را دشوار کرده است. در تعریفی آمده است: سازمان‌های مردم‌نهاد گروه‌هایی هستند که توسط اعضای جامعه به عنوان افراد و بدون داشتن هیچ عنوان دولتی و یا موقعیت شغلی برای دستیابی به اهداف اجتماعی، مدنی، اخلاقی، زیست‌محیطی، و غیره تشکیل می‌شوند. این سازمان‌ها غیرانتفاعی هستند؛ یعنی برای به دست آوردن سود و کسب‌وکار فعالیت نمی‌کنند.^{۲۸} سازمان‌های مردم‌نهاد بر حسب جهت‌گیری به چهارگونه تقسیم می‌شوند:

- خیرخواهانه: این نوع سازمان‌ها فعالیت‌های پدسالارانه از بالا به پایین را انجام می‌دهند که حداقل مشارکت نفع‌بران (گروه‌های هدف) را به همراه دارد. در این گونه سازمان‌ها فعالیت‌هایی مانند برآوردن نیازهای فقرا، توزیع خوراک و پوشاک یا دارو، تدارک مسکن، حمل‌ونقل، مدرسه و امور این‌چنینی انجام می‌شود.

- خدماتی: این نوع سازمان‌های غیردولتی فعالیت‌هایی مانند فراهم آوردن بهداشت، برنامه‌ریزی خانواده، خدمات آموزشی و طراحی برنامه را انجام می‌دهند و انتظار دارند مردم در اجرا و دریافت خدمات مشارکت کنند.

- مشارکتی: این نوع سازمان‌های غیردولتی عموماً، در شکل تعاونی، پروژه‌های خودیار را انجام می‌دهند که در این پروژه‌ها مردم محلی با کمک‌های نقدی، ابزار کار، زمین، مواد نیروی انسانی، و مانند این‌ها درگیر می‌شوند.

- توانمندسازی: این جهت‌گیری از زمانی حاصل شد که دستیابی به توسعه مبنای کمک به مردم و درک شفاف عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی - که زندگی آنان را متأثر می‌سازد - شد. این نوع سازمان‌های غیردولتی با این جهت‌گیری می‌کوشند تا آگاهی مردم را از قدرت بالقوه‌شان برای کنترل زندگی خویش تقویت کنند. در فعالیت‌هایی این سازمان‌ها مردم حداکثر دخالت و مشارکت را دارند و آن‌ها بیشتر به عنوان تسهیل‌کننده فعالیت می‌کنند.^{۲۹}

سازمان‌های مردم‌نهاد در تمام حوزه‌ها پلی مهم بین شهروندان با هم و ملت با دولت هستند. این سازمان‌ها یکی از مهم‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی و تقویت‌کننده آن‌اند، زیرا باعث تقویت روابط اجتماعی و برابندهای ناشی از آن، یعنی حمایت اجتماعی،

^{۲۷} بخشنده، مجتبی و نیک‌پور قنوتی، لیلیا. (۱۳۹۵). سنگ فرش هر خیابان از طلا نیست. تهران: جامعه‌شناسان.

^{۲۸} sciencedirect.com. (2013). Accessed Sep 2020.

^{۲۹} <http://ngosiran.ir> (2017). Accessed Sep 2020.

می‌شوند. به عبارت دیگر، این سازمان‌ها با تقویت روابط اجتماعی بهترین سازوکار را برای کمک به مردم ارائه می‌دهند که متأسفانه در ایران به خوبی از این ظرفیت استفاده نشده است.

حمایت از کودکان کار در دستور کار برخی از این سازمان‌ها بوده است و سازمان‌های مردم‌نهادی که در شهر تهران در حوزه کودکان کار فعال‌اند در زمره سازمان‌های خیرخواهانه، خدماتی، توانمندسازی و دفاع از حقوق کودکان قرار دارند. برخی از این سازمان‌ها عبارت‌اند از: انجمن حمایت از کودکان کار، انجمن حمایت از حقوق کودکان، مؤسسه مهر و ماه، و جمعیت امام علی (ع)، رویش نهال، جمعیت دفاع، مؤسسه مهرآفرین، شبکه یاری (که برخی از این سازمان‌ها عضو آن هستند)، پرند درخت کوچک در منطقه کن، جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، انجمن یاری کودکان. گروه‌های هدف این انجمن‌ها کودکان و زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب هستند. البته به جز این سازمان‌ها، تعداد کثیری انجمن‌ها و خیریه‌های دیگر نیز در سطح شهر تهران فعالیت دارند که با مرور در پرتال‌ها، اساسنامه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها می‌توان اهم خدماتشان را در حوزه کار کودکان مشاهده کرد، این خدمات عبارت‌اند از: خدمات آموزشی، مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، حقوقی، رفاهی، پژوهشی، پزشکی، حمایتگری و حمایتی، مطالبه‌گری، دفاع از حقوق کودکان، و مواردی از این دست. معمولاً بیشتر کودکان کار (در انواع مشاغل) تجربه دریافت حمایت‌های مختلف از این سازمان‌ها را داشته‌اند که البته برخی از آن‌ها از رده خارج شده‌اند یا جزو سازمان‌های کاغذی محسوب می‌شوند. این نکته را نیز باید افزود که کودکان به دو شیوه جذب این سازمان‌ها می‌شوند؛ یعنی گاهی سمن‌ها با ورود به محل‌های کار کودکان آنان را جذب می‌کنند و گاهی کودکان و خانواده‌هایشان، با توجه به اطلاعاتی که از شبکه‌هایشان درباره این سمن‌ها دریافت کرده‌اند، به منظور پذیرش و دریافت خدمات به آن‌ها مراجعه می‌کنند.

ممنوعیت کودکان از کار و طرح‌های ناکارآمد

«ساماندهی کودکان کار و خیابان» عنوان آیین‌نامه‌ای بود که سال ۱۳۸۴ شمسی دولت وقت آن را تصویب کرد. طرحی که هدف کلی آن توانمندسازی «کودکان کار» و حمایت از آن‌ها عنوان شد و قرار بود کودکان را از چرخه مشقت‌زای کار دور کند، اما در مدت پانزده سال به طرح ضربتی دستگیری کودکان کار در خیابان تبدیل شد. براساس آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان مصوب سال ۸۴ هر فرد زیر هجده سال که در ساعات نامحدود در خیابان به سر برد به عنوان «کودک خیابانی» شناخته می‌شود و نهادها، سازمان‌ها، و دستگاه‌های اجرایی موظف هستند اقدامات لازم از قبیل شناسایی، جذب و پذیرش این کودکان را عملی نمایند و تا رسیدن کودک به فرجام قابل اطمینان از او حمایت کنند. در این آیین‌نامه تأکید شده است شناسایی کودکان کار و خیابان باید از سوی مددکاران اجتماعی انجام شود و نحوه جذب آن‌ها نیز از طریق ارتباط مؤثر مددکار و پس از جلب اعتماد کودکان انجام‌شدنی خواهد بود. در اقدام بعدی نیز کودکان در مرحله توانمندسازی قرار می‌گیرند، فرایندی که به دور شدن کودکان از چرخه کار منجر خواهد شد.

این طرح سازمان بهزیستی را متولی اصلی حمایت از کودکان کار می‌داند، اما برای یازده ارگان دولتی وظایفی را مشخص کرده است. به عنوان مثال نیروی انتظامی باید برقراری امنیت در کلیه مراحل اجرایی را برعهده بگیرد. صدور مجوزها و احکام قضایی لازم برعهده وزارت دادگستری است. تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب جهت اجرای مراحل ساماندهی وظیفه شهرداری‌هاست و ارائه تسهیلات اعتباری اشتغال‌زا به خانواده‌های جویای کار کودکان، تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی کودکان، صدور بیمه‌نامه خدمات درمانی، انجام اقدامات فرهنگی لازم، تأمین خدمات حمایتی و انسان‌دوستانه، شناسایی و راهنمایی دانش‌آموزانی که در معرض آسیب هستند و حمایت‌های لازم از خانواده‌های تحت پوشش، وظایفی است که طبق این آیین‌نامه برعهده وزارت رفاه، وزارت بهداشت، سازمان بیمه خدمات درمانی، سازمان تأمین اجتماعی، صداوسیما، جمعیت هلال احمر، وزارت آموزش و پرورش، و کمیته امداد گذاشته شده است.

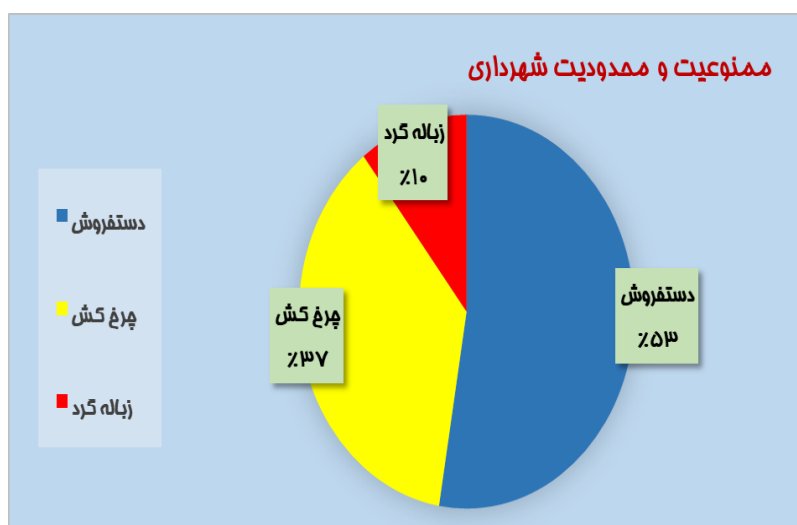
آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان در چارچوب طرحی که مکتوب شده است مدافع حقوق کودکان و منافع آن‌هاست، اما دستورالعملی که در صورت اجرای اصولی می‌توانست از رنج کودکان کار و یا حتی از شمار آن‌ها بکاهد، در مراحل اجرایی به طرحی ضربتی و شتاب‌زده بدون پشتوانه اجرایی تبدیل شد که نه تنها از کودکان کار حمایت نکرد، بلکه با خشونت، بدرفتاری،

ایجاد ترس و اضطراب در میان کودکان کار به آن‌ها آسیب‌های فراوانی زد. طرحی که قرار بود با «کار کودک» مبارزه کند به مبارزه علیه «کودکان کار» و تلاش برای حذف آن‌ها از سطح خیابان به هر قیمتی تبدیل شد.

آنچه در خیابان اتفاق می‌افتاد شناسایی و جذب کودکان کار از سوی مددکاران اجتماعی از طریق جلب اعتماد نبود، بلکه دستگیری کودکان بود. کودکان پس از دستگیری با برخوردهای توأم با خشونت و ایجاد ترس و دلهره به اقامتگاه‌های تحت اختیار بهزیستی روانه می‌شدند و پس از حدود بیست روز دوری از خانواده به شرط این که دیگر در خیابان ظاهر نشوند امکان رهایی می‌یافتند، بدون این که از حمایت و توانمندسازی خبری باشد. کودکان زیادی در این پروسه آسیب دیدند، برخی از آن‌ها که چاره‌ای جز کار نداشتند و تأمین مخارج خانواده برعهده آن‌ها بود، راهی کارگاه‌های زیرزمینی شدند که مخاطرات به مراتب بیشتری برای آن‌ها در پی داشت و گروهی نیز یاد گرفتند در خیابان‌ها از چنگ مأموران و عملیات تعقیب و گریز آن‌ها بگریزند. طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان پس از پانزده سال اجرا و شکست مداوم نه تنها به کاهش شمار کودکان کار منجر نشد، که ناکارآمدی خود را با عدم توانایی برای حمایت اجتماعی از کودکان کار به اثبات رساند. اما در سال ۱۳۹۹، پس از پانزده سال تکرار طرح شکست خورده «ساماندهی کودکان کار و خیابان»، مسئولان بهزیستی از جایگزینی طرح «حمایت اجتماعی از کودکان کار» سخن گفته‌اند و ادعا می‌کنند در طرح جدید موسوم به «حمایت اجتماعی از کودکان کار» به صورت «خانواده محور» عمل خواهند کرد و پروسه شناسایی، جذب و حمایت از کودکان کار از طریق «مدیریت مورد» انجام می‌پذیرد، اما ابهامات موجود در این طرح نیز به نگرانی‌های کودکان کار و خانواده‌های آن‌ها دامن زده است. روایت کودکان از طرح‌هایی مانند ساماندهی کودکان کار و خیابان اثبات می‌کند این کودکان، تحت عنوان حمایت اجتماعی و جذب، قربانی انواع خشونت شده‌اند. حتی گاهی نهادهای دیگری همچون نیروی انتظامی، شهرداری و مأموران مترو از کار این کودکان در حوزه تحت نظارتشان ممانعت به عمل می‌آورند و در بسیاری از مواقع اشکالی از خشونت‌های جسمی، فیزیکی، و روانی را علیه آنان اعمال می‌کنند. بسیاری از فعالان حوزه کودک نیز بر ناکارآمدی این طرح‌ها اذعان کرده‌اند. باید گفت زمانی که برنامه‌های جامعی در سطح مدارس و محله‌ها برای حمایت از این کودکان و خانواده‌های آنان وجود نداشته باشد، صرفاً منابع مالی و انسانی صرف جمع‌آوری آنان از سطح خیابان می‌شود و تقریباً نتیجهٔ مثمیری را دربر نخواهد داشت و فقط باعث اتلاف منابع می‌شود. کودکان بارها روایت کردند که یک تا چندین دفعه (شش مرتبه) از سوی یکی از ارگان‌ها، مثل شهرداری، از سطح خیابان دستگیر شدند و به یکی از مراکز بهزیستی انتقال داده شدند. روایت یکی از این کودکان چنین بود:

بهزیستی می‌خواد ما رو برداره ببره گداخونه، می‌بره نگه می‌داره تا مامانت بیاد، برداره ببرت خونه. می‌گه کار نکنین اینجاهل

تموم دیگه. شهرداری دنبالمون می‌کنه، بهزیستی دنبالمون می‌کنه



نمودار شماره (۱) ممنوعیت و محدودیت شهرداری (N=۱۹)

تجربه کودکان از طرح‌هایی که بهزیستی عنوان ساماندهی و حمایت اجتماعی را بر آن‌ها گذاشته است اتفاق تلخی است که از نظر کودکان حکم زندان و دستگیری را دارد؛ چنان‌که توصیفشان چنین بود:

شهرداری هر روز می‌آد می‌گه کار نکن. بهزیستی که به‌خاطر این کرونا کاری نداره فعلاً. من رو شیش بار گرفته بهزیستی. شهرداری هم یه بار. مامان بابام دنبالمون اومدن، ولمون کردن.

من اینجا توی بازار بودم، داشتم کار می‌کردم؛ یه دفعه یه ماشین اومد، دستم رو گرفت، انداخت توی ماشین، با خودش برد زندان. اونجا توی زندان خیلی بودیم؛ سیصد نفر می‌شدیم، همه هم سنای خودم بودن. دیگه یه دو ماهی اونجا بودم با پسرعموم تا این‌که داداشم اومد ۳ میلیون داد، ما رو آزاد کردن. داشتم کارتن جمع می‌کردم که گرفتیم.

بهزیستی که من رو گرفت، بهش یه چیزی گفتیم. گفتیم آقای... من رو می‌شناسه، رئیس کل همین بهزیستی‌است. گفت آهان! زنگ زد به آقای... گفت یه دختر رو گرفتیم به اسم... ده سالشه. گفت ولش کن، اون آشنای منه... آقای... من رو تو چیز گرفته بود، اما من رو بازم ول کرد. یه چیز برای آقای... گفتیم؛ گفتیم دوس داری یکی دختر تو رو بگیره، بره. مثلاً دختر تو کار کنه، بگیرن، یکی بیره یه جایی، دوس داری. تو هم فکر کن من دخترتم. گفت برو.

توی شهرستان دو بار من رو بهزیستی گرفته. اینجا هم یه بار من رو گرفتن. اونجا می‌برن سه روز می‌مونیم. بعد یکی می‌آد دنبالمون، آزاد می‌کنن.

یه بار نشسه بودم داشتم کار می‌کردم، یکی اومد گفت بیا بریم. من فکر کردم می‌خواد واسم خوراکی، چیزی، بده. تا دیدم ماشین بهزیستی هستش، فرار کردم. ولی آخرش گرفت من رو برد داخل ماشین. چند روز بودم. بعد مامانم اومد دنبالم. شهرداری می‌آد می‌زنه ما رو، پولمون رو می‌گیره. یه ماه پیش من رو گرفتن کتک زند، می‌خواستن رد مرز کنن. گلشهر بودم.

در بسیاری از موارد کودکان از این شکل جمع‌آوری‌ها می‌ترسند، زیرا این جمع‌آوری‌ها در برخی مواقع با خشونت همراه است و زمانی که آنان را به مراکز نگهداری منتقل می‌کنند، برای کودک چیزی شبیه به «گداخانه»، زندان، و مانند این‌هاست.

بهزیستی در پانزده سال گذشته تقریباً هر سال دو بار طرح ساماندهی را اجرا می‌کرد. زمان آغاز طرح نیز معمولاً خردادماه بود، هم‌زمان با تعطیلی مدارس که کودکان بیشتری به چرخه کار می‌پیوندند. کودکان در قالب این طرح، پس از دستگیری، به مراکز هم‌چون بعثت و یاسر منتقل می‌شدند. بعثت و یاسر مراکز اسکان موقت کودکان بهزیستی است که گنجایش هر کدام از آن‌ها برای نگهداری کودکان به‌صورت هم‌زمان کمتر از ۵۰ نفر است، اما در قالب طرح شتاب‌زده و بدون پشتوانه ساماندهی، کودکان به‌صورت ضربتی از کف خیابان جمع‌آوری و به این مراکز منتقل می‌شوند. این موضوع به‌خصوص در سال ۱۳۹۸ با انتقاد شدید فعالان حقوق کودک مواجه شد، زیرا خبر رسید که در مرکز یاسر - که کمتر از ۴۰ نفر گنجایش دارد - بیش از ۱۹۰ کودک در وضعیت نگران‌کننده‌ای به‌سر می‌بردند.^{۳۰} مدیران بهزیستی در پاسخ به این انتقادات گفتند که کودکان در این مراکز غربالگری می‌شوند؛ یعنی کودکان افغانستانی اگر سرپرستی نداشته باشند رد مرز خواهند شد و از والدین دیگر کودکان تعهد گرفته می‌شود که دیگر در خیابان ظاهر نشوند. معمولاً زمان نگهداری کودکان نیز بسته به این‌که بار اول یا دوم یا سوم دستگیری آن‌ها باشد متفاوت بود.

^{۳۰} خبرگزاری ایسنا، ۱۷ تیرماه ۱۳۹۸، از

نقل قول های میدانی در خصوص کودکان کار



تصویری از چرخ دستی یک کودک گل فروش در بازار گل محلاتی (عکس از پژوهش)

کار در ضایعات: کار در کارگاه های ضایعات نیز برای کودکان مخاطرات زیادی به همراه دارد و اهم آن ها عبارت اند از: جابه جایی قطعات آهن آلات سنگین، سروصدای زیاد کار با دستگاه هوا برش، امکان آسیب دیدن و سوختگی به هنگام کار با دستگاه هوا برش، یا آسیب دیدن و زخمی شدن به دلیل جابه جایی قطعات آهن. روایت تعدادی از کودکان شاغل در این صنف درباره مخاطرات و سختی های کارشان چنین بود:

دیگه اینا سنگین، خیلی سخته اولش، بلند کردنشون. برش بدی خوبه، ولی اولش سخته.

خیلی خطر داره این کار. دوستانم زخمی شدن، خودمونم شدید؛ آهن رو هل می دی، به پات گیر می کنه، می خوری زمین. این طوری ان دیگه، آسیب می رسونن، زخم می کنن.

این در رو برش می زنم. خردشون می کنم، بعضی وقتا دستام زخمی می شه، می سوزه. اینا هم جاشه.

دستگاه خطرناکه. مثلاً یه چیزی می ندازی، دستت رو می بینی توش می افته. باید خیلی مواظب باشی.

جوشکاری: از اهم مخاطرات این شغل می توان از امکان سوختگی به دلیل کار با دستگاه هوا برش و جوشکاری، سروصدای زیاد، آسیب دیدن چشم ها به دلیل کار با دستگاه جوشکاری و اشعه جوش، مشکلات تنفسی و ریوی به دلیل وجود گازهای سمی در قوس ها / جوش های الکتریکی، و مشکلات ارتوپدی در ناحیه ستون فقرات به دلیل بد نشستن زیاد نام برد. روایت کودکان شاغل در این بخش از مخاطرات کارشان چنین بود:

سختیاش اینه که این دستگاه های هوا برش موقعی که آهن برش می دی، مواظب نباشی، می سوزی.

یه بار یکی از دوستانم برق افتاد تو چشمش، دیگه خوب نمی دید. اونایی هم که بزرگ می شن، خیلیاشون چشمشون ضعیف می شه، عینک می زنن.

سخته؛ جور کن، ملات درست کن... جوشکاری اذیتم می کنه.



تصویری از یک نوجوان شاغل در کارگاه جوشکاری در منطقه خلایز (عکس از پژوهش)

کار در مزارع کشاورزی: کار در مزارع کشاورزی نیز آسیب‌های متعددی را به همراه دارد مانند کار زیر آفتاب که می‌تواند به سرطان پوست بینجامد، کار با دستگاه‌های کشاورزی یا کار با ابزارهای تیز و بُرنده به هنگام چیدن و دسته‌بندی کردن سبزی و محصولات کشاورزی که ممکن است به نقص عضو و حتی مرگ منجر شود، امکان افتادن از بالای درخت به هنگام چیدن برخی از محصولات باغات، کمردرد به هنگام چیدن محصولات، ارتباط نداشتن با دنیای خارج و غیره. چند تن از کودکان شاغل در این بخش مخاطرات و سختی‌های کار خود را این‌گونه روایت کردند:

سختیاش اینه که تابستون جلوی این آفتاب همه‌ش باید کار کنی، خیس عرق می‌شی، کمرت داغون می‌شه. من همه‌ش کار می‌کنم؛ جمعه‌هام سر کارم، هیچ‌جا نمی‌رم. دیگه آدم شهر رو نمی‌بینه خیلی بده. یه بار دست رفیقم گیر کرد به اون دستگاه، انگشتش داغون شد.



تصویری از نوجوانان شاغل در مزارع کشاورزی سه‌راه ترانسفور (عکس از پژوهش)

کار در کارخانه‌های بلورسازی: کار در این صنف نیز مخاطرات زیادی را برای کودکان به همراه دارد. از اهم آن‌ها می‌توان به گرمای زیاد محیط کار، قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی و کوره‌های ذوب، ورود مواد شیمیایی به داخل بدن در نتیجه دمیدن در شیشه‌ها، مشکلات ریوی و تنفسی، نبود تهویه هوای مناسب در محل کارگاه، سوختگی اعضای بدن مانند دست‌ها، پاها و شکم، خشک شدن پوست و حتی سینه به دلیل گرمای محیط کار، فشار زیاد به بدن به سبب جابه‌جایی بارهای سنگین، ایستادن زیاد به هنگام کار در بلورسازی‌های قالبی و نایمن بودن محیط کارگاه اشاره کرد. معمولاً کودکان در این کار و حتی بسیاری از کارهای دیگر فاقد لوازم ایمنی، مانند کفش و لباس و کلاه، هستند. البته که لباس‌های ایمنی اصلاً در اندازه کودکان و برای آنان دوخته نمی‌شود و لباس‌های ایمنی و لباس کار مناسب برای کودکان در دسترس نیست. روایت یکی از کودکان خیابانی که تجربه کار در کارگاه بلورسازی را داشت از مخاطرات این کار این گونه بود:

قبلاً توی کارخونه شیشه کار می‌کردم. شیشه رو می‌داشتم روی آهن، می‌بردم توی دستگاه می‌داشتم. زنا جمع می‌کردن می‌داشتم توی کارتن. یه ماشینایی می‌اومد ورمی‌داشتم می‌برد. اونجا ۲۰۰ می‌داد، ۳۰۰ شد، ۴۰۰ شد، ۵۰۰ شد، ۷۰۰ شد. بعد اومدم بیرون. بعد اومدم اینجا [منظورش کار در خیابان و شستن شیشه‌های ماشین است]. اونجا دستام سوخت [آستینش را بالا می‌زند و به جای سوختگی‌های روی دستش اشاره می‌کند]. بعد اومدم بیرون از اونجا. بعد داداشم اونجا کار می‌کرد، دستاش سوخت، اومد بیرون. من از اون بیشتر کار کردم. کار کردم، بعد اومدم بیرون. از ساعت چهار صبح می‌رفتم، ساعتای پنج می‌اومدم خونه.

یکی دیگر از کودکان شاغل در این صنف درباره مخاطرات کارش گفت:

کارم با این میله‌هاست. چند بار دم کوره دستم سوخته. اون اوایل کار بود؛ اومدم، مثلاً، چیز کنم، خورد به دستم سوخت.



تصویری از کودکان شاغل در کارخانه بلورسازی سنتی در منطقه خیرآباد (عکس از پژوهش)

کار در کارگاه‌های تولیدی: کودکان بیشتر در کارگاه‌های تولید کیف و کفش و پوشاک، خیاطی‌ها، و مشاغلی از این دست کار می‌کنند. از اهم مخاطرات این نوع کارها برای کودکان می‌توان از گیرکردن انگشت زیر سوزن چرخ خیاطی، بریده شدن دست و انگشتان به هنگام کار با قیچی، سرعت بالای برخی از دستگاه‌ها و تحمل فشار مضاعف برای هماهنگ شدن با سرعت آن، کار با مواد شیمیایی و اشتعال‌زا، حوادث آتش‌زا در محیط کار به دلیل استفاده از مواد قابل اشتعال مانند چسب‌های شیمیایی، معتاد شدن در نتیجه استنشاق مواد شیمیایی و چسب‌ها یا عادت کردن به دمیدن بر آن‌ها، برش و قطع اعضای دست‌وپا، انجام کارهای یکنواخت و آسیب دیدن مغز، جابه‌جایی بارهای سنگین، مواجه شدن با مسائل اخلاقی و پیامدهای آن بر شخصیت و رفتار کودک، و مشاهده برخی از رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی نام برد. بعضی از کودکان شاغل در این صنف از مخاطرات و سختی‌های کارشان این گونه روایت کردند:

توی کارگاه قبلی دو تا شاگرد بودیم، چهار تا چرخ کار. بعد این شاگرده یه روز در میون می‌رفت باشگاه صبا. من اومدم داشتم کار انجام می‌دادم، همه سرعتا بالا دیگه. بعد اوسا گفت... عقب موندی [با هیجان تعریف می‌کند]. گفتم من نمی‌تونم توون (تاوان)

این شاگردت رو که نیومده رو پس بدم. گفت من نمی‌دونم، اینجا داری کار می‌کنی باید سریع باشی. گفتم کار دیگه نمی‌کنم... داری کار می‌کنی برده کسی نیستی که بخوای فشار زیادی رو تحمل کنی.

ما دو نفر بودیم؛ یعنی هر دو تا چرخ به دونه شاگرد نیاز داره. این معمولیشه. مثلاً شب عید سنگین می‌شه کارت، ولی توی ماه‌های عادی یه پادو می‌تونه دو تا چرخ رو جواب بده. چهار تا چرخ رو یه نفر مسلماً نمی‌تونه جواب بده. یه وسط کار بودم و چهار تا چرخ بود. بعد صبح می‌اومدم تا ساعت دوازده تا دوازده و نیم کارا زیاد بود. اونم صداس دراومده بود که آقا! چرا نمی‌رسونی. گفتم من نمی‌تونم توون (تاوان) کار اونم پس بدم. گفت اگه نمی‌تونی کار نکن. گفتم همین الآن کار نمی‌کنم. پا شدم اومدم. بعضی موقعا آره دیگه، مثلاً بار سنگین می‌گه بلند کنی. مثلاً من نمی‌تونم بار سنگین، مثلاً هشتاد کیلویی اینا... می‌گم من نمی‌تونم، اون شکایت می‌کنه.

از کار قبلی اومدم بیرون... یه جاش رو عوض نکردم، می‌خواستم پارچه رو برش بزنم، دستم رو قیچی کردم. اونجا گفت برو تو نمی‌تونی.

دو هفته تولید لباس کار کردم، بازار ارامنه. دیگه اومدم اینجا کارگاه خیاطی. سخته دیگه، یا همه‌ش سر پای دیگه، چون واست نمی‌مونه. کلاً یا باید بشینی یا کلاً باید وایسی. اونجا توی تولیدی هم وسط کاری می‌کردم، کلاً نشسه بودیم. نمی‌دونم، لباس پشت‌ورو کن، سر نخ بگیر، کار نداره، ارزشش رو نداره.

در این بخش به روایت متخصصان حوزه کودک، نمایندگان کار، برخی از مددکارانی که در سازمان‌های مردم‌نهاد با کودکان شاغل در این بخش در ارتباط هستند و مشاهدات میدانی پژوهشگران در محل کار کودکان پرداخته می‌شود.

راهکارهای اجرایی کاهش کار کودک

کار کودکان در میان مهاجران، به‌ویژه مهاجران افغانستانی و غربتی‌ها، بسیار شایع است. مهاجران اتباع به‌لحاظ قانونی از بسیاری از فرصت‌ها، مانند کار در بسیاری از مشاغل و داشتن مسکن محروم‌اند. این تبعیض‌های ساختاری به فقر هرچه بیشتر آنان دامن می‌زند و به مسائلی می‌انجامد که برای کشور هزینه‌های زیادی را به‌همراه دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با مجموعه‌ای از مداخلات سیاستی و حقوقی تبعیض‌های ساختاری علیه آنان رفع شود و خانواده‌های آنان به مشاغل درآمدزا وصل شوند. همچنین لازمه تغییر وضعیت این دسته از کودکان کار برخورداری آنان از آموزش رایگان است.

۱- بخشی از کودکان فاقد هرگونه سند هویتی‌اند و بنابراین امکان ادامه تحصیل برای آنان در مدارس وجود ندارد. لازم است با شناسایی این دسته از کودکان اسناد هویتی برای آنان صادر شود و سپس برای تحصیل آنان اقدام شود

۲- سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از اهرم‌های بسیار مؤثر برای حمایت از حقوق کودکان و محافظت از کودکان در برابر کار و مخاطرات آن هستند. یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد که این سازمان‌ها چه نقش مؤثری در حمایت از کودکان کار دارند. اما برای کارایی بهینه، این سازمان‌ها به حمایت، به‌ویژه حمایت‌های حقوقی و قانونی، نیز دارند. در حوزه حاکمیتی لازم است نه تنها نگاه امنیتی از آن‌ها برداشته شود، بلکه به شیوه‌های مختلف از آنان حمایت شود، زیرا آن‌ها از محدود نهادهایی هستند که توانسته‌اند با گردهم آوردن شهروندان، زمینه حمایت‌های مؤثر از کودکان کار و خانواده‌هایشان را فراهم کنند. همچنین لازم است وزارت کشور با استفاده از سازوکارهای مختلف، به‌ویژه آموزش، این سازمان‌ها را به سمت توانمندسازی کودکان کار سوق دهد و مجلس قانون این سازمان‌ها را تدوین و تصویب کند.

۳- تعدادی از کودکان به‌دلیل بدسرپرستی یا بی‌سرپرستی و مسائل ناشی از آن، از جمله فقر، وارد چرخه کار می‌شوند. گرچه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در سال ۱۳۹۲ شمسی به تصویب رسید و به نهادهای مرتبط ابلاغ شد، اما این قانون کودکان مهاجر خارجی را دربر نمی‌گیرد و در حوزه کودکان ایرانی نیز هنوز به‌خوبی اجرا نمی‌شود. لازم است سازمان‌های دولتی و حاکمیتی، مانند بهزیستی و کمیته امداد، این کودکان را شناسایی کنند و از آنان تا زمانی که به‌لحاظ اقتصادی توانمند شوند حمایت نمایند و زمینه‌های سرپرستی آنان را از سوی کسانی که برای قبول سرپرستی این کودکان تمایل نشان می‌دهند فراهم کنند. برای مثال امروزه تقاضا برای داشتن فرزند از طریق مادر جایگزین درخور توجهی است، درحالی که می‌توان با استفاده از برخی طرح‌ها و سازوکارها این خانواده‌ها را به فرزندخواندگی کودکان کار مجاب کرد.

نتیجه گیری

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت، و اقدام به کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند. این کودکان می‌توانند به راحتی بازیچه دست مجرمان حرفه‌ای اعم از سارقان یا باندهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه‌های فساد، و ... قرار گیرند، و همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن باعث شده است تا قدرت رقابت با سایر کودکان برای ایجاد یک زندگی سالم، هرچه بیشتر، از این کودکان سلب شود. به‌طور کلی بیشتر کودکان کار، به دلیل داشتن وضعیت عاطفی نامناسب و شرایط خاص زندگی، دارای روحیه‌ای حساس و از نظر عاطفی آسیب‌پذیرتر از کودکان همسال خود هستند. بنابراین بی‌توجهی و نادیده گرفتن این کودکان باعث نهادینه شدن خشمی پنهان در ناخودآگاه آن‌ها شده است که به‌هنگام بزرگسالی باعث بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه می‌شود. از سوی دیگر کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می‌شود که کودکان را استثمار می‌کنند و در نتیجه در جامعه فاصله طبقاتی و فقر و تهیدستی را افزایش می‌دهد، کودکان را از دستیابی به دانش و مهارت کافی بازمی‌دارد، و بهره‌وری نیروی کار را کاهش می‌دهد. همچنین سبب افزایش آسیب‌های اجتماعی، مانند اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، و فقر، می‌شود و در نتیجه سلامت اجتماعی را به‌مخاطره می‌اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می‌گردد.

با توجه به شرایط متفاوت کاری کودکان و بروز مشکلات و آسیب‌های بسیار در مکان‌ها و کارگاه‌های متفاوت و همچنین افزایش کار کودکان در فضاهای بسته، این پژوهش درصدد مطالعه و شناخت کار کودکان و شناسایی اشکال گوناگون کار کودک در شهر تهران و شهرک‌های اقماری اطراف آن است. شناسایی پیامدها و آسیب‌هایی که کودکان در محیط کار متحمل می‌شوند و نیز علل تداوم بخش کار کودکان و عوامل دخیل در کاهش یا افزایش کار کودک نیز در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است و در انتها نیز در کنار جمع‌بندی نهایی و نتیجه‌گیری، برخی راهکارهای اجرایی برای مبارزه با هر نوع بهره‌کشی از کودکان ارائه شده است. امید آن‌که این پژوهش - که حاصل ماه‌ها مطالعه و تحقیق در میدان است و در نتیجه ساعت‌ها گفت‌وگو با کودکان کار، کارفرمایان آن‌ها، و مددکاران تهیه شده است - بتواند چراغ راهی برای مبارزه با هر نوع استثمار و بهره‌کشی از کودکان باشد و کودکی از دست‌رفته را به آن‌ها بازگرداند. مطالعات موجود صرفاً به اشکال محدودی از کارهای کودکان پرداخته است و این در حالی است که در همین مطالعات اندک نیز برخی از کارها، مانند کار خانگی، باوجود فراوانی بسیار، مطالعه و بررسی نشده است. مطالعه در این باب از جهات گوناگونی اهمیت دارد: تبعات روانی و جسمی کار کودکان نه تنها فرد بلکه جامعه را نیز درگیر می‌کند؛ کودکان کار جزو محروم‌ترین اقشار جامعه‌اند که از بیشترین حقوق اساسی خود بی‌بهره‌اند؛ همچنین ابعاد مختلف این پدیده مانند شرایط کاری کودکان، تعداد کودکان کار در کارگاه‌ها و مکان‌های کاری متفاوت، دستمزد آن‌ها، ساعات کاری، مشکلات کار در کارگاه‌ها و مکان‌های متفاوت و مزایای آن برای کودک و کارفرما، و ... مشخص نیست و به دلیل نداشتن شناخت درست از این پدیده، سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات خاصی نیز صورت نگرفته است. بنابراین پرداختن به مسئله اشکال گوناگون کار کودک و شناخت ابعاد پنهان این پدیده و همچنین ارائه راهکارهای علمی و عملی می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی در این حوزه کمک کند.

منابع و مراجع

- [۱] احمدی، کامیل. (۱۴۰۰). ردپای استثمار در جهان کودکی. پژوهشی جامع در خصوص اشکال، علل و پیامدهای کار کودکان. دانمارک: آوای بوف.
- [۲] آه، انگ. (۱۳۹۵). من و کودکی‌هایم. تهران: آگاه
- [۳] بخشنده، مجتبی و نیک‌پور قنواتی، لیلا. (۱۳۹۵). سنگ فرش هر خیابان از طلا نیست. تهران: جامعه‌شناسان.
- [۴] بونت، لیز. (۱۹۹۳). نظریه‌پردازی جوانان. کرج: نشر فراغ.
- [۵] جیمز، آلیسون؛ جنکس، کریس و پروت، آلن. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی دوران کودکی (نظریه‌پردازی درباره دوران کودکی) (ترجمه علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم‌آبادی). تهران: ثالث.
- [۶] حسینی، سید حسن. (۱۳۸۳). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵ (۱۹)، ۱۷۳-۱۵۵.
- [۷] رفیع‌پور، عبدالله. (۱۳۷۷). دوران نوجوانی و آسیب‌ها. اصفهان: نشر افق
- [۸] روشنفکر، پیام و علی، دلارام. (۱۳۹۱). پهنه‌بندی آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده کودکان در شهر تهران (با نگاهی به خدمات سازمان‌های غیردولتی). تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران، دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران.
- [۹] زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۳). آسیب‌های اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۱۰] کاپلان و سادوک. (۱۳۷۵). به نقل از بخشنده، مجتبی و نیک‌پور قنواتی، لیلا. (۱۳۹۵). سنگ فرش هر خیابان از طلا نیست. تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۱] کامل عباسی و آقامحمدیان شعریاف. (۱۳۸۹). به نقل از بخشنده، مجتبی و نیک‌پور قنواتی، لیلا. (۱۳۹۵). سنگ فرش هر خیابان از طلا نیست. تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۲] کلانتری، صمد و کیانی، مژده. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان رو به توسعه. اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲۳۱ (آذر و دی ماه)، ص ۲۸۲-۲۹۵.
- [۱۳] انجمن حمایت از حقوق کودکان. (۱۳۹۸). *یغمای کودکی: پژوهشی درباره شناخت، پیش‌گیری و کنترل پدیده زباله‌گردی کودکان در تهران*.
- [۱۴] کمبود کار شایسته برای بزرگسالان ILO، به نقل از صفایی، منیژه و ناظم، نازفر. (۱۳۸۶). کار کودکان. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- [۱۵] معیدفر، سعید (۱۳۸۹). مسائل اجتماعی ایران. تهران: نشر امین.
- [۱۶] *خبرگزاری ایسنا*، ۱۷ تیرماه ۱۳۹۸، از <https://www.isna.ir/photo/98041708716>
- [17] Forastieri, Valentina. (۱۹۹۷). Children at work: Health and safety risks. ILO Child Labour Collection. Geneva: International Labour Office.
- [18] Wall, S. (۲۰۰۶). Child labour in various industries. India: Sarub & Sons.
- [19] ILO. (۲۰۰۷). Child domestic labour information resources. Geneva: International Labour Organization Geneva.
- [20] Boyden, J. (۱۹۹۱). Children of the cities. London: Zed Boo.
- [21] <http://ngosiran.ir> (2017). Accessed Sep 2020